

گزارشی از همت همیاران محیط زیستی گروه نذر طبیعت که منجر به برق‌رسانی به یکی از روستاهای چابهار شده است

چشم لیپار، روشن

می‌گویند از هر دست بدهی از همان دست می‌گیری؛ حکایت زندگی دادشاپور و روستای محرومش یعنی لیپار هم مصداق همین ضرب‌المثل است. لیپار نزدیک ساحل رمین در چابهار است؛ زیستگاه لاک‌پشت‌های سبز در حال انقراض. دادشاپور اما سالیان سال از لاک‌پشت‌ها مراقبت کرد تا حیات‌شان همچنان برقرار بماند... سال‌ها گذشت، او مراقب لاک‌پشت‌ها بود، اما کسی مراقب روستای بی‌برق و محرومش نبود، مردمش مهاجرت کردند و روستا خالی شد... چندی پیش اما آوازه کار خوب دادرحیم دادشاپور به گوش طبیعت دوستان رسید، به روستایش آمدند و به پاس مهربانی‌اش با طبیعت، برق برای‌شان آوردند؛ روشنایی، امید و ...

۱۶

کارآفرینی بانوان، بهترین موضوعی بود که می‌توانستیم درباره آن با مرجان هوشیار حرف بزنیم؛ کسی که جایگاه زن بودنش را به بهانه کارآفرینی فراموش نکرده است

کارآفرینی به شرط مادری...

تهش این بود؛ این‌که در یک مقطعی از کارآفرینی، دایره نگاه و گزینش آدم‌های دور و برت تغییر می‌کند و دیگر نمی‌توانی با آدم‌های بی‌دغدغه بنشینی و حرف‌هایی بزنید که به درد هیچ‌کدام‌تان نمی‌خورد. حالا تو دغدغه‌های مهم‌تری مثل خانواده، همسر، فرزند و البته شغل و هدفت داری. این تقریبا همه آن چیزی بود که در حرف‌های مرجان آقاجان‌زاده هوشیار به آن رسیدیم. کسی که در آستانه ۴۹ سالگی، مدیرعامل شرکت بازرگانی و پیمانکاری در رشته ساختمان و عضو هیات مدیره انجمن ملی زنان کارآفرین است. او عنوان بانوی دریافت‌کننده گواهی و تندیس شایستگی مدیریت سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا را به نام خودش زده است. با خانم هوشیار در هفته جهانی کارآفرینی در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران آشنا شدیم؛ وقتی که از روزهای سختی که گذرانده و موفقیت‌هایی که حالا به آن رسیده است، برای دانشجوهای کارآفرینی می‌گفت. نتیجه آشنایی ما با خانم هوشیار، به گفت‌وگویی تقریبا مفصل درباره کارآفرینی بانوان رسید؛ گفت‌وگویی که به خاطر انکار نکردن خصلت‌ها و ظرافت‌های زنانه در چنین بازار کاری، به جاهای خوبی رسید.


نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

پای صحبت‌های هر کارآفرینی که بنشینید، متوجه می‌شوید که هر کارآفرینی یک داستان شروعی دارد اما مرجان هوشیار این داستان را به شکل متفاوتی برایمان تعریف می‌کند: «من از زمان دانشجویی کار می‌کردم؛ گاهی تدریس می‌کردم و گاهی در شرکتی مشغول به کار می‌شدم. در واقع در مقاطع مختلفی، کارهای متفاوتی را تجربه کردم اما بعد از تمام شدن درسم، به طور جدی‌تری وارد بازار کار شدم. از سال ۸۱، در حین کارمند بودن و این‌که تجاربی کسب کرده بودم، کار خودم را شروع کردم. در آن دوره زمانی، من نیاز جدی به پول داشتم و باید کار می‌کردم. در واقع پول کارمندی کفاف کار من را نمی‌داد و انگیزه‌ای جدی برای به دست آوردن پول و کار کردن داشتم. اتفاقی که با کارمند بودن و تا ساعت ۴، ۵ عصر کار کردن، نمی‌توانستم به آن برسم.» با چه پشتوانه‌ای تصمیم به راه‌اندازی کار خودتان گرفتید؟ این سوالی بود که خانم هوشیار یک پاسخ برایش داشت: «شاید باور نکنید اما من هیچ پشتوانه‌ای نداشتم و با دست خالی شروع کردم. حرفی که خیلی از کارآفرین‌ها به علاقه‌مندان این حوزه می‌گویند اما این جمله، همین جا تمام نمی‌شود و دیگران بقیه‌اش را نمی‌گویند. ادامه‌اش این است که بیست سی سال پیش واقعا می‌شد که با دست خالی شروع کرد، اما امروز نمی‌شود. امروز، جوان‌ها برای راه‌انداختن کار، واقعا به کمک‌های اساسی نیاز دارند.» از نظر خانم هوشیار حالا بانک‌ها برای شروع کار، پول‌های گرانی به بچه‌ها می‌دهند که این رسم حمایت کردن نیست.

کار برای خانم‌ها سخت‌تر است

خانم هوشیار همسر و مادر است؛ جایگاهی که در اکثر مصاحبه‌هایش به اندازه کافی و حتی بیشتر از بحث تخصصی‌اش به آن اشاره می‌کند. خانه‌داری، همسرداری و بچه‌داری، وظایف سنگینی بر دوش یک خانم نمی‌گذارد که قید کار و حرفه‌اش را بزند؟ من خیلی از روزها ساعت ۵ صبح از خواب بیدار می‌شدم. ناهار و شام را درست می‌کردم و ساعت هفت راه می‌افتم. آن زمان تاکسی‌های اینترنتی وجود نداشت، هزینه آژانس بالا بود و من با اتوبوس به سرکارم می‌رفتم. ساعت دو سه ظهر هم برای ناهار به خانه می‌آمدم چون واقعا دوست داشتم که ناهارم را در کنار پسرم بخورم. بله، مدیریت کردن همه این فعالیت‌ها به طور همزمان با هم سخت است. خانمی که می‌خواهد کاری را شروع کند نمی‌تواند تا نزدیکی‌های ظهر بخوابد یا فیلم مورد علاقه‌اش را ببیند. چنین خانمی باید از خیلی از تفریحاتش بگذرد. او هم در آن زمان دلش می‌خواسته که به آرایشگاه برود، به کلاس‌های ورزشی برود. او هم مهمان داشته، خانواده همسری داشته است، اما با مدیریت توانسته است به چیزی که می‌خواهد برسد. هیچ خانمی نباید فراموش کند که قبل از مدیر بودن و قبل از کارآفرین بودن، یک همسر است، یک مادر است و برای این‌که به هدفش برسد، باید چندین برابر از همیشه تلاش کند. مطمئن باشید کسی که روی قله ایستاده، با هلیکوپتر به آنجا نرسیده؛ آن آدم سختی‌های زیادی را گذرانده که حالا به آنجا رسیده است.

کارآفرین‌ها هم ظرف می‌شویند

اصلا لازم است که خانم‌ها تا همیشه کار کنند؟ مثلا نمی‌شود از یک جایی به بعد، یعنی زمانی که به پول و جایگاه و به بعضی از هدف‌هایمان رسیدیم، دیگر کار را کنار بگذاریم و زندگی کنیم؟ موضوعی که مرجان هوشیار آن را قبول ندارد: "آخر من زندگی‌ام را هم کردم و از لحظه‌هایم در هر شرایطی لذت بردم؛ برای همین است که هیچ‌وقت به چنین موضوعی فکر نمی‌کنم. البته این هم مهم است بدانید که هدف کسی که کاری را شروع کرده، آن قله‌ای است که از دور می‌بیند و وقتی در وسط راه به پشت سرش نگاه کند که چه مسیر سختی را گذرانده و چقدر کم تا قله مانده است، باعث می‌شود که دلش نیاید آن را نیمه‌کاره رها کند. اصلا این ذات آدم‌ها است که به هر پله‌ای که می‌رسد، هدفش را یک پله بالاتر ببرد. حرف من این است که می‌شود همه‌چیز را با هم داشت.» خانم هوشیار خاطره جالبی برایمان تعریف می‌کند: «همین چند شب پیش، خانمی در یکی از این شبکه‌های اجتماعی دیده بود که من آنلاین و در دسترس هستم. برای همین پیام زد که وای خانم هوشیار، ساعت ۳ نیمه‌شب هستش و شما بیدارید؛ همه کارآفرین‌ها همین‌طوری هستند؟ دارید کتاب می‌خونید یا برنامه فردایتان را می‌چینید؟ می‌دانید جوابش را چه دادم؟ گفتم به خدا که مهمان داشتم و ظرف می‌شویم و خانه را تمیز می‌کنم. این واقعیت زندگی یک خانم کارآفرین است؛ او پیش از هرچیزی خانم آن خانه، همسر و مادر است.»

توان به توان دو

حرف مشترک خیلی از بچه‌هایی که مادران شاغل دارند این است که مادرمان را کم می‌بینیم، خسته است، دیر می‌آید، زود می‌رود. این حرف را که به خانم هوشیار زدیم، همان موقع از پسر ۲۶ ساله‌اش پرسید که هیچ‌وقت پیش خودت نگفتی کاش مامان سرکار نمی‌رفت؟ کلمه نه را از طرف فرزند خانم هوشیار شنیدیم، اما خودش از دلایل این جواب برایمان گفت: «خدا خودش شاهد است که من با آن همه خستگی که به خانه می‌آمدم، تازه بازی‌هایم با پسرم شروع می‌شد. پابه‌پای هم بازی می‌کردیم، آب‌بازی می‌کردیم، ماشین‌بازی می‌کردیم. در واقع تمام تلاشم را می‌کردم که کار من، بچه‌ام را اذیت نکند. شاید دلیلش این بود؛ فکر می‌کردم که من یک مادر شاغل هستم، پس باید توان مضاعف‌تری برای پسرم بگذارم. ما روزهای خوشی را با همدیگر می‌گذراندیم؛ مثلا دوتایی به نانوایی می‌رفتیم، نان می‌خریدیم، داخل پارک می‌نشستیم و با خوشی و خنده همان نان را می‌خوردیم. راستش را بخواهید هیچ‌وقت احساس نکردم که به خاطر کارم، برای خانه و زندگی و بچه‌ام کم گذاشته باشم. بله، مادر بودن، این روند را سخت می‌کند...»

راهت را بر و

مرجان هوشیار معتقد است که محیط کار و محیط بازار، عرصه‌ای مردانه است که زن‌ها اگر بخواهند به این ویژگی‌ها توجه کنند، عقب می‌مانند: «برخی مردها، برخلاف این‌که خیلی به ما کمک می‌کنند و در زندگی به ما لطف دارند، اما به هر حال نمی‌توانند بپذیرند که رئیس‌شان یک خانم باشد و این خصلت جامعه ما است. شاید به خاطر عقبه تاریخی ما که از همان اول، خانم‌ها در غار بودند و مردها بیرون می‌رفتند و نان می‌آوردند. تنها راهش نشنیدن و نادیده گرفتن است. ضمن این‌که من همیشه به خانم‌هایی که به دنبال کارآفرینی هستند یک چیز می‌گویم؛ این‌که ببینید چقدر به این کار نیاز دارید. یک خانم کارآفرین باید با پوست و گوشت و خونش بخواهد که این کار را انجام بدهد. این تفکر که حالا یک پولی هست و آن را به کار بزنیم و ببینیم چه می‌شود، از او یک کارآفرین موفق نمی‌سازد. «بارها پیش آمده که پدری، همسری، برادری و حتی دوستی، یک سرمایه‌ای را در اختیار خانمی قرار داده که حالا این را بگیر و ببین موفق می‌شوی یا نه»؛ روشی که از نظر خانم هوشیار شدنی نیست و کسی موفق می‌شود که قلبش برای کاری که انجام می‌دهد، بتپد.

عبور از سد محدودیت‌ها

اگرچه بحث برابری زن و مرد وجود دارد اما یک زن به دلیل دارا بودن مسؤولیت‌های متعدد در زندگی، برای اثبات کار خود در جامعه نیاز به دو برابر فعالیت نسبت به یک مرد دارد و این مساله فقط مختص کشور ما نیست و در اغلب کشورهای جهان این تفاوت وجود دارد.

اگر امروز زنان ما در حوزه‌های بازرگانی موفق عمل کرده‌اند، نخستین معلمان آنها پدران، برادران و همسران و به طور کلی مردان جامعه بوده‌اند و در کنار آنها، امروز شاهد ثبت موفقیت‌های زنان در عرصه تجارت بین‌الملل هستیم. بله؛ زنان در کشور ما با محدودیت‌های فرهنگی مواجه‌اند و باید دو برابر مردها تلاش کنند، اما این مختص کشور ما نیست و حتی در کشورهای پیشرفته نیز زنان در چنین شرایطی قرار دارند.

با این حال باید به آینده خوش‌بین بود، زیرا زنان ما خود را در تمام سطوح به اثبات رسانده‌اند و تداوم این مساله مشروط به این است که دلسرد نشوند. برخی زنان می‌گویند هر کاری که می‌کنند تلاششان بی‌ثمر است، اما نسل جدید نباید فکر کنند که ایده‌هایشان نشدنی است. باید بستر مناسب برای فعالیت زنان فراهم شود تا از دلسردی‌هایشان کم شود. منظور مواردی است که به منابع مالی برای زنان برمی‌گردد. به این معنا که مثلا زمانی که پدر در قید حیات است، معمولا سرمایه خود را در اختیار دختر قرار نمی‌دهد و پسر در اولویت اوست.



از این رو اگر زنی قصد ایجاد کار داشته باشد به دلایل ذکر شده با محدودیت‌های حاضر در جامعه مواجه می‌شود. فعالیت زنان در جامعه مانند کودکی نوپاست که نسبت به سایر فعالیت‌ها نیاز به رسیدگی بیشتری دارد.

در عرصه ملی یکی از بانوان کشور که می‌توانست برای کسب مدال به المپیک راه یابد، به دلیل عدم اجازه همسر موفق نشد. بنابراین بهتر است با زنان جامعه با تدبیر همراهی شود تا فضای برابری و عدالت برای همه شکل گیرد. روی سخن من با بانوانی است که حتی برای خرید روزانه حاضر به خروج از خانه نیستند. آنها اگر به این باور برسند که با پرداختن به یک فعالیت خانگی حتی در ابعاد کوچک، می‌توانند به اقتصاد خانواده و کشور کمک کنند، به طور حتم در روش زندگی خود تغییر ایجاد می‌کنند.

اگر فعالیت اقتصادی در زنان خانه‌دار نیز شکل بگیرد در وهله نخست سبب می‌شود بار مالی کمتری بر دوش مردان باشد و دیگر این‌که قدر و ارزش پول را به دلیل زحمت و تلاشی که می‌کنند بیشتر خواهند دانست. با این روند اقتصاد مولد شکل می‌گیرد و همان طور که در کشورهایی نظیر ژاپن تجربه شده، بزرگترین کمک به رشد اقتصادی کشور خواهد بود.

افسانه‌ای به نام نبودن روزهای سخت

زندگی+

در چنین محیط سخت و شاید مردانه‌ای، اگر کم بیاوریم چه؟: «اصلا مگر می‌شود کم نیاورد، هرکسی بگوید کم نیاورده، افسانه گفته و آدرس غلط به آدم‌ها داده است. من هم خسته شدم، من هم گریه کردم، من هم پیش خودم گفتم که از فردا سرکار نمی‌روم ولی رفتم. من چند ورشکستگی سنگین را از سر گذرانده‌ام که آخرینش هم سال ۹۳ بود؛ آنقدر که تا فرش خانه‌ام را بابت این موضوع فروختم چه برسد به خانه و ماشین و هرچیزی که می‌توانست تا حدودی بدهی‌هایم را جبران کند. من کسی بودم که تا دو روز پیش، دو مدل ماشین بنز و لکسوس در پارکینگ خانه‌اش پارک بوده ولی حالا پول خرید یک پراید را هم ندارد. حالا با تصور چنین اوضاعی، این‌که من چطور به دوران خوب برگشتم، قطعا یک تلاش خیلی زیاد نیاز دارد و من توانستم این کار را انجام بدهم؛ البته که هنوز هم در حال پرداخت بدهی‌های همان اتفاق هستم. آن روزها، خیلی سخت گذشت ولی گذشت. یادم است که آن زمان دوستان خوبی داشتم که تلنگرهای خوبی به من می‌زدند و یادآوری می‌کردند که چه توانایی‌هایی دارم. دوستم می‌گفت که اگر راست می‌گویی که رانتی نیستی، کارت را با ارثیه و یک پول بادآورده و از جایی رسیده شروع نکردی، پس برایت کاری ندارد که آن را دوباره بدست آوری.» انگار غصه خوردن برای کسی است که پولی از کسی و جایی گرفته و حالا دیگر آن پول را ندارد. این مهم‌ترین حرفی بود که آن سال‌ها، خانم هوشیار را دوباره سرپا نگه داشت.



حق با شماست
info@jamejamdaily.ir
روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بنزین-بدقولی
جمعی از شهروندان:
مگر قرار نبود هیچ کالایی بعد از افزایش قیمت بنزین گران نشود و دولت جلوی گرانی را بگیرد؟ مجوز افزایش قیمت تا ۴ درصد توسط دولت نمونه دیگری از اهمیت ندادن به مردم است.

#فیلم-تکرار
غفوری از تبریز:
متاسفانه صداوسیما در روزهای تعطیل و آخر هفته فیلم تکراری و درجه دو پخش می‌کند، این درحالی است که یکی از سرگرمی‌های خانواده‌ها تلویزیون است و انتظار می‌رود برنامه و فیلم‌های بهتری پخش شود.

#رمز-بی‌مصرف
نجفی از تهران:
یکی از معایب رمز یک بار مصرف این است که اگر شهروندی تلفن همراه خود را گم کند یا سرقت شود به راحتی اطلاعات بانکی وی لو می‌رود و با ارسال رمز یک بار مصرف از طرف بانک به صورت پیامکی، خیلی راحت حساب آنها خالی می‌شود.

#شهرک-ابریشم
توکلی شهمیرزادی از کرج:
شهرک ابریشم کرج حدود ۷۰۰۰ ساکن دارد، ولی فاقد امکانات اولیه مانند آب شرب مناسب، فضای سبز، مراکز خرید و... است و متاسفانه با وجود پیگیری‌های فراوان، رسیدگی به این شهرک صورت نگرفته است.

#صندلی-اتوبوس
شمشادی از تهران:
طرح تازه اتوبوسرانی برای فروش صندلی کارشناسی نشده است، چون اتوبوس‌ها قابل برنامه‌ریزی نیست.

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۹/۵ با عنوان «تاکسی-مسافربر» مدیر روابط عمومی سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: این سازمان پس از سهمیه‌بندی بنزین، برای خدمات‌رسانی هر چه بهتر به شهروندان محترم، نسبت به شیفت‌بندی تاکسی‌های خطوط، پیگیری تاکسی‌های کم‌کار و غایب و استفاده از ظرفیت تاکسی‌های ون کمکی در ساعات پیک مسیرهای پر مسافر اقدام کرده است. شهروندان گرامی در صورت مشاهده هرگونه تخلف از سوی ناوگان تاکسی تهران مراتب را با ذکر کامل پلاک به سامانه تلفنی ۱۸۸۸ منعکس و این سازمان را در امر نظارت هر چه بهتر یاری کنند.